

نگره

شکاف یاد و میانجیگر اصلی

افق مبهم مذاکرات حماس - اسرائیل

تمام گمانه زنی‌ها پیرامون تلاش مشترک قطر، مصر و آمریکا پیرامون مذاکرات برای تبادل اسرا با رد پیشنهاد توقف ۶۰ روزه درگیری‌ها توسط رژیم صهیونیستی از جانب حماس در حاله‌ای از ابهام قرار گرفت. چراکه به گفته حماس، آزادی اسرا باید با آتش‌بسی دائمی همراه باشد. البته بدیهی است در شرایطی که تنها برگ برنده حماس، اسرای صهیونیست است به هیچ عنوان منطقی و عقلانی نیست که بخواهد در سایه مذاکرات برای آتش‌بس موقت، این برگ برنده خود را از دست بدهد. چراکه پس از آن، سناریوی قطعی، تلاش گسترده صهیونیست‌ها برای نابودی حماس خواهد بود. آن هم در شرایطی که تل‌آویو و اشغالگران دیگر نگرانی‌های تبادلی خود ندارند و با فرغ‌بال بیشتر موتور کشتار و جنایت را در غزه روشن خواهند کرد. البته به جز حماس، محمد الهندی، معاون دبیرکل جنبش جهاد اسلامی هم خاطرنشان کرد که مقاومت جز پیشنهاد مصر هیچ پیشنهادی دیگری درخصوص توقف تجاوزات و تبادل اسرا دریافت نکرده است و مقاومت به پیشنهاد قاهره نیز با پیشنهادی مشترک میان جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی از حدود سه هفته پیش پاسخ داده و شامل مراحل آتش‌بس دائم و خروج نیروهای صهیونیستی از نوار غزه می‌شود. محمد الهندی در ادامه افزود: هرآنچه که پس از پیشنهاد مصر رخ داد، شامل بررسی مواضع و برخی ایده‌های مربوط به تغییر در برخی مراحل مبادله و مدت زمان هریک از آنها بود. اما هیچ تضمینی برای توقف دائم تجاوزات و عقب‌نشینی نیروهای ارتش رژیم اشغالگر وجود ندارند. رسانه‌های عبری شامگاه دوشنبه هفته گذشته محتوای پیشنهاد جدید رژیم صهیونیستی برای تبادل اسرا را منتشر کردند. آکسیوس هم به نقل از مقامات صهیونیستی گزارش کرده بود رژیم صهیونیستی پیشنهاد کرده است به منظور آزادی همه اسرای صهیونیستی جنگ غزه به مدت ۲ ماه متوقف شود. این ویگانه خبری گزارش کرد براساس این ابتکار در مرحله اول، زنان و مردان بالای ۶۰ سال آزاد می‌شوند. در مرحله دوم سربازان و نظامیان بالای ۶۰ سال آزاد خواهند شد. آکسیوس گزارش کرد: اسرائیل و حماس پیشاپیش بر سر تعداد اسیران فلسطینی که قرار است آزاد شوند به توافق خواهند رسید و سپس درباره آنها مذاکره خواهند کرد. طبق گزارش این ویگانه خبری، رژیم صهیونیستی هرگز با پایان یافتن جنگ و آزادی همه ۶۰۰۰ زندانی فلسطینی موافقت نخواهد کرد اما در صورت موافقت حماس با ابتکار، بخش زیادی از این زندانیان را آزاد می‌کند. این در حالی است که یوآو گالاتن، شامگاه چهارشنبه تهدید کرد هیچ چیزی موجب نمی‌شود تل‌آویو جنگ غزه را متوقف کند. به گفته وزیر جنگ رژیم صهیونیستی تا زمانی که اسرای صهیونیستی هنوز آزاد نشده‌اند امکان توقف جنگ غزه وجود ندارد.

ماموریت رئیس اسرا

پس از انتشار اخباری دل‌برد پیشنهاد مذاکره از جانب حماس، برخی مقامات آگاه به واشنگتن پست اطلاع دادند که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا درصدد است طی روزهای آتی ویلیام برنز، رئیس‌انسان اطلاعات مرکزی (سیا) را برای حصول توافقی جنس‌طلبانه میان حماس و رژیم صهیونیستی برای آزادی تمامی گروهان‌ها در غزه و توقف طولانی‌دگرگی‌ها اعزام کند. مقاماتی که می‌خواستند نام‌شان فاش نشود عنوان کردند که برنز قرار است برای این مذاکرات به اروپا سفر کند و در آنجا با روسای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و مصر و نخست‌وزیر قطر دیدار کند. مصر و قطر کشورهایی هستند که از زمان شدت گرفتن درگیری‌ها میان حماس و رژیم صهیونیستی با طرفین در ارتباط بوده و حتی به توقف موقت درگیری‌ها و آزادی زندانیان در ماه نوامبر کمک کرده بودند. سیاست‌آبدین لحظه به درخواست واشنگتن پست برای اظهارنظر باسخی نداده است.

شکاف صهیونیست‌ها با دو میانجیگر اصلی

در همین حال جنگ لفظی میان مقامات رژیم صهیونیستی و قطر از یک سو و از سوی دیگر پاسخ ندادن رئیس‌جمهور مصر به تماس تلفنی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از اختلافات شدید میان تل‌آویو و دو میانجیگر اصلی در جنگ غزه حکایت دارد. پیش‌تر براساس یک فایل ضبط شده لو فرشته از دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با خانواده‌های اسیران صهیونیست بازداشت شده در غزه، او گفته بود قطر مشکل سازتر از سازمان ملل و صلیب سرخ است. این در حالی است که قطر همراه با مصر و آمریکا در دستگیری آتش‌بس میان جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و رژیم اشغالگر در نوامبر گذشته نقش داشت و طی آن دو طرف تعدادی از اسیران را مبادله کردند. اخیرا ماجد الانصاری، سخنگوی وزارت امور خارجه قطر اظهارات نتانیاهو درباره میانجیگری قطر را شدیداً محکوم کرد و گفت: اگر این اظهارات صحت داشته باشد، باعث مانع‌تراشی در مسیر میانجی‌گری این کشور و تضعیف آن خواهد شد. وی افزود: برای نتانیاهو آینده سیاسی‌اش مهم‌تر از نجات جان افراد بی‌گناه از جمله اسرای اسرائیلی است و به جای اولویت دادن به نجات جان اسرا، برخی مسائل سیاسی کم‌اهمیت را اولویت قرار داده است. وی تصریح کرد: ما امیدواریم نتانیاهو به جای مشغول شدن به روابط استراتژیک قطر با آمریکا، برای برداشتن موانع و مشکلات موجود بر سر راه توافق تبادل اسیران تلاش کند. همچنین روزنامه عبری زبان «معارو» امتناع «عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهور مصر از پاسخ به تماس «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را دلیلی بر تشدید بحران میان مصر و این رژیم ارزیابی کرده است. معارو در این باره نوشت که اختلاف بزرگ میان تل‌آویو و قاهره بر سر روند اقدام رژیم صهیونیستی به ویژه در محور «فیلدلقیا» که مصر را از غزه جدا می‌کند، قابل مشاهده است. این رسانه عبری همچنین گزارش داد که جنگ غزه روابط رژیم صهیونیستی و مصر را با چالش‌های دشواری روبه‌رو می‌کند.

در شرایطی که مذاکرات تبادل اسرا در حالت تعلیق به سر می‌برد، شهرک نشینان صهیونیست چهارشنبه شب علیه کابینه نتانیاهو در خیابان ایالون تل‌آویو تظاهرات برگزار کرده و خواستار استعفای نتانیاهو شدند. به گزارش ایسنا، تظاهرات کنندگان شهرک‌نشین با سردادن شعارهایی، خواستار امضای فوری توافق مبادله اسرا و بازگرداندن اسرای صهیونیست از غزه شدند.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت موفق نشده

رضایت اقتصادی

ایجاد کند



از ابتدا مشخص بود برخی شعارهای اقتصادی دولت قابل تحقق نیست



یکی از اشتباهات اقتصادی دولت استفاده از سیاست‌های لیبرالی بود

آرمان ملی - احسان انصاری: یکی از مسائلی که می‌تواند مردم را به حضور در پای صندوق‌های رأی تشویق کند بهبود وضعیت اقتصادی است. بدون تردید افزایش کیفیت زندگی اقتصادی مردم و کنترل تورم می‌تواند انتخابات آینده را پرشورتر کند. این در حالی است که انتظاری که در این زمینه از دولت وجود داشته تاکنون محقق نشده است. اینکه آیا دولت در زمان باقی‌مانده می‌تواند با سیاست‌هایی که در پیش می‌گیرد شرایط را تغییر دهد یا خیر نیازمند گذشت زمان بیشتری است. «آرمان ملی» در این زمینه با دکتر مرتضی افقه، اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. افقه معتقد است: «یکی از اشتباهات بارز اقتصادی دولت تبعیت از سیاست‌های لیبرالی بود که دولت آن را مطرح کرد. کسانی که امروز از سیاست‌های لیبرالی در اقتصاد کشور استفاده کردند که در ۳ دهه گذشته همواره به آقایان هاشمی و روحانی این انتقاد را وارد می‌کردند که چرا از سیاست‌های لیبرالی استفاده می‌کنند. در نهایت نیز همان مشکلاتی برای مردم ایجاد شد که در دولت‌های گذشته برای مردم ایجاد شده بود.»

آیا عملکرد دولت در زمینه اقتصادی به شکلی بود که بتوان به واسطه آنها مردم را به حضور پرشور در انتخابات تشویق کرد؟

عملکرد اقتصادی دولت باید براساس شعارهایی که دولت مطرح کرده و مسیری که در آن حرکت کرده صورت بگیرد. واقعیت این است که از همان ابتدا مشخص بود که بسیاری از شعارهایی که آقای رئیس و دیگر اعضای کابینه مطرح می‌کنند قابل تحقق نیست. توان و ظرفیت ساختار حاکم بر اقتصاد کشور چنین اجازه به دولت نمی‌داد و این نکته به خوبی مشهود بود که این وعده‌ها بیشتر جنبه تبلیغاتی و انتخاباتی دارد. این نکته را نیز باید در نظر بگیریم که شرایط انتخابات ریاست جمهوری گذشته نیز به شکلی بود که آقای رئیس‌وزیر رقیب جدی در مقابل خود نمی‌دید و به همین دلیل نیاز به دادن وعده‌های بزرگ و آرمانی برای پیروزی در انتخابات نداشت. با این وجود این اتفاق رخ داد و آقای رئیس‌وزیر وعده‌هایی در انتخابات دادند که تا به امروز قابل تحقق نبوده است. پس از ایشان مدیرانی در دولت به کار گرفته شده‌اند که شعارهایی می‌دادند که یا زوری ناآگاهی و عدم شناخت وضعیت اقتصادی کشور داشت یا اینکه بیشتر جنبه تبلیغی به خود گرفته بود. به هر حال آقای رئیس‌وزیر سابقه اجرایی در سطح کلان را نداشت و به همین دلیل از ناکارآمدی‌های ساختاری اجرایی کشور اطلاع نداشت. به همین دلیل وعده‌هایی که در انتخابات دادند بدون توجه به این موضوع بود که ابزاری که قرار است این وعده‌ها را عملی کند با چالش‌هایی جدی ساختاری و ناکارآمدی مواجه خواهد بود. وعده‌هایی مانند ساختن یک میلیون مسکن در سال و چهار میلیون در چهار سال و یا ایجاد یک میلیون شغل در سال از ابتدا مشخص بود که قابل تحقق نیست و تنها انتظارات را نسبت به دولت افزایش می‌دهد.

مهم‌ترین دلایل عملی نشدن چنین وعده‌هایی چه بود؟

آقای رئیس‌وزیر در ابتدایی که مدیریت اجرایی کشور را به دست گرفتند عنوان کردند که وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم را به برجام گره نخواهند زد. این در حالی بود که دولت تلاش زیادی کرد که برجام در نهایت به نتیجه برسد که تاکنون این اتفاق رخ نداده است. در چنین شرایطی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در عمل نشان داد که وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم به برجام گره خورده است و دولت با این تصمیمی که گرفت در عمل ارتباط اقتصاد کشور به برجام را تشدید کرد. نکته مهم در این زمینه این است که اگر تحریم‌ها نیز برداشته شود تیم اقتصادی موجود در دولت

از ابتدای انقلاب تاکنون قرار بود ما با کشورهای همسایه ارتباط اقتصادی داشته باشیم و به اقتصاد اول منطقه تبدیل شویم. منطق اقتصادی می‌گوید اگر ما بتوانیم با کشورهای همسایه ارتباط داشته باشیم به سود ماست. با این وجود دولت تنها با کشورهای همسایه قرارداد بسته است. این در حالی است که تا زمانی که تحریم‌ها برداشته نشود و ایران در تحریم قرار داشته باشد این قراردادها جنبه عملیاتی نخواهد داشت. کشورهای طرف قرارداد ایران برای اینکه هزینه‌های سنگین شکستن تحریم‌ها را پرداخت نکنند تلاش می‌کنند تا آنجا که امکان دارد زیر بار قرارداد‌هایی که با ایران بسته شده نروند.

یادداشت
پیش‌بینی کفو و سقف آینده قیمت دلار



سعید بلال
اقتصاددان

بایین‌نگه داشتن قیمت دلار، نیاز به یک سلسله ابزار و عوامل دارد، به عبارتی دولت باید قدرت مالی یا ذخیره ارزی کافی برای کنترل بازار داشته باشد. اگر فرض کنیم که دولت آقای رئیس‌وزیر منابع کافی ارزی دارد که می‌تواند با آن منابع در بازار دخالت کند، وضعیت مثبت است و ما باید از این وضعیت خوشحال و راضی باشیم ولی واقعیت، اینطور نیست. حال سوال اینجاست که اگر فرض کنیم، دولت منابع کافی برای دخالت در بازار ندارد اما قیمت دلار طرف‌یکسال گذشته بنا به علل واقعی و اقتصادی تثبیت شده، عوامل تثبیت نرخ دلار کدامند؟ یکی اینکه قیمت دلار در ماه‌های انتهایی سال ۱۴۰۱ به صورت افسارگسیخته افزایش پیدا کرده بود و از حد اقتصادی خود فراتر رفته بود، یعنی طرف‌یکسال (از ابتدا تا پایان ۱۴۰۱) قیمت دلار دو برابر شد در حالی که در همین مدت رشد نقدینگی حداکثر ۴۰ تا ۴۵ درصد بود. اگر نسبت تورم و نقدینگی را به صورت مستقیم در رشد قیمت دلار موثر بدانیم نمی‌بایست قیمت دلار بیش از ۴۵ درصد افزایش پیدا می‌کرد. از طرفی شرایط سیاسی و بین‌المللی هم در طول سال ۱۴۰۱ و خیم‌تر نشده بود بنابراین علت اول اینکه قیمت دلار در یکسال گذشته ثابت ماند این بود که نرخ دلار، بطور افسارگسیخته و بیش از حدی که از نظر اقتصادی و در نظام عرضه و تقاضا ایجاد می‌کرد، بالارفت و بنابراین طبیعی بود که تا مدتی حتی یکسال بعد افزایش قیمت دلار، نرخ آن ثابت بماند. نکته دوم اینکه مقدار بسیار زیادی دلار چه در خارج کشور و چه در داخل کشور و چه در کشورهای همسایه توسط ایرانیان مقیم این کشورها به صورت اسکناس در اختیار مردم است، اینها این دلار را به این امید که بتوانند از افزایش قیمت ماهانه آن بیش از افزایش قیمت ماهانه نرخ سود بانکی، خودرو و یا کالاهای دیگر سود ببرند نگه داشته‌اند. اگر دو، سه، یا چهارماه این قیمت ثابت بماند طبیعی است که عرضه دلارهای خانگی افزایش پیدا می‌کنند که این موضوع هم در تثبیت قیمت دلار در یکسال گذشته موثر بوده است. عامل سوم که عامل بسیار مهمی است افزایش بسیار چشمگیر درآمدهای نفتی دولت در دو سال اخیر بوده است که عمدتاً تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده ولی در دست جمهوری اسلامی برای افزایش صادرات نفت باز شده است. واقعیت این است که آقای رئیس‌وزیر در صادرات نفت بسیار تهاجمی تر نسبت به دولت آقای روحانی عمل می‌کند. ما اطلاع کافی و کامل داریم که آن بسیاری از نهاد‌های دولتی حتی اجازه صادرات نفت دارند و این در حالی است که در دولت آقای روحانی اینگونه نبود ولی الان صدها میلیون دلار سهمیه صادرات نفت برای دستگاه‌های لشگری و کشوری اختصاص داده شده، یعنی اجازه داده شده که اینها بروند صادرات کنند و منابع آن را برای خودشان بصورت تهاجمی در اختیار بگیرند. از طرف دیگر همانگونه که از ابتدا پیش‌بینی می‌کردیم بحران و تورم را نفع جمهوری اسلامی تمام شد و باعث شد که فشار ایالات متحده آمریکا برای بازار صادرات نفت ایران به شدت کاهش پیدا کند. آمریکا‌ها نه دیگر امکان نظامی اطلاعاتی چنین وقوف و احتیاطی را بر بازار نفت ایران دارند و نه منافع آنها اجازه می‌دهد، چون آنها در شرایطی که می‌خواستند روسیه را تحریم کنند بایستی اجازه می‌دادند که بازار، خلا نفت روسیه را در اروپا و در آسیای جنوبی بویژه در هند و چین پر کنند و این کار را عمدتاً از طریق ایران و ونزولا انجام دادند و ما هم دیدیم که البته کرملین با قوت به بازار باگشت تاحدی که اکنون، بازار جهانی نفت، اشباع و قیمت طلای سیاه نیز تا حد زیادی کنترل شده است. در کنار اینها سقوط دولت فاسد اشرف غنی در افغانستان در مجموع به نفع ایران تمام شده و یک چیزی بود که ما پیش‌بینی کرده بودیم و یک بازار جدیدی را از منابع بودی دلار در اقتصاد ایران در دو سال گذشته باز کرده است. اگر همه این عوامل را کنار هم بگذاریم می‌توانیم به این جمع‌بندی برسیم که اساس کنترل قیمت دلار در بازه ماه گذشته قیمت دلار کنترل شده است و در پاسخ به اینکه چرا این قیمت در حال افزایش است باید یادآور شد، نباید تا تأثیر ولو محدود تحولات سیاسی اخیر پی‌تفاوت گذشت. در عین حال، ممکن است وضعیت به حالت پیش‌بین برگردهد، مثلاً همین هفته جاری، دولت با دخالتی اندک در بازار بتواند نرخ بازار را متعادل کند زیرا با دلار بالای ۵۰ هزار تومانی، واردات بسیاری از کالا، به دلیل کاهش تقاضا، صرفه و توجه اقتصادی نخواهد داشت. در عین حال، دولت منابع و درآمد کافی از محل صادرات نفت برای بازسازی در اختیار دارد. در ۱۰ ماه اخیر دیدیم، ایران حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار کسری تراز بازرگانی داشته است که از آنجایی که صادرات نفت ایران تقریباً سه برابر این عدد است معنی‌اش این است که ما با اختصاص یک سوم درآمد‌های نفتی مان به کسری واردات می‌توانیم تمام نیازهای کشور را پوشش دهیم. عامل اصلی افزایش قیمت دلار در ماه‌های آینده را بایستی در افزایش نرخ نقدینگی و تورم جست‌وجو کنیم، این چیزی است که علم اقتصاد به‌ما می‌آموزد، یعنی عرضه و تقاضای دلار. اگر بنا باشد که نرخ رشد نقدینگی حتی مطابق آن چیزی که خود دولت ادعای کند روی ۲۵ درصد بماند و متعاقب آن نرخ تورم به ۲۰ درصد خواهد رسید قاعدتاً با فرض ثابت ماندن درآمد نفت در ماه‌های آینده ما باید منتظر افزایش ۲۰ درصدی قیمت دلار باشیم. بنابراین پیش‌بینی می‌کنم که اگر تحولات سیاسی خارج از کنترل اتفاق نیفتد و بخواهم فقط بر مبنای مولفه‌های اقتصادی تحلیل کنیم فرض من این است که در ماه‌های پیش‌رو درآمد نفتی ایران در حد عملکرد سال ۱۴۰۲ ثابت خواهد بود و اگر بین ۲۵ تا ۳۰ درصد به تقاضای دلار از طریق افزایش نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم افزوده شود، قیمت دلار تا پایان سال آینده بین ۶۵ تا ۷۵ هزار تومان باید بشود.



از ابتدا مشخص بود برخی شعارهای اقتصادی دولت قابل تحقق نیست



یکی از اشتباهات اقتصادی دولت استفاده از سیاست‌های لیبرالی بود

شرایط انتخابات ریاست جمهوری گذشته نیز به شکلی بود که آقای رئیس‌وزیر رقیب جدی در مقابل خود نمی‌دید و به همین دلیل نیاز به دادن وعده‌های بزرگ و آرمانی برای پیروزی در انتخابات نداشت. با این وجود این اتفاق رخ داد و آقای رئیس‌وزیر وعده‌هایی در انتخابات دادند که تا به امروز قابل تحقق نبوده است

از سیاست‌های لیبرالی از جراحی یا اصلاحات اقتصادی بود که دولت آن را مطرح کرد. کسانی که امروز از سیاست‌های لیبرالی در اقتصاد کشور استفاده کردند که در سه دهه گذشته همواره به آقای هاشمی و روحانی این انتقاد را وارد می‌کردند که چرا از سیاست‌های لیبرالی استفاده می‌کنند. در نهایت نیز همان مشکلاتی برای مردم ایجاد شد که در دولت‌های گذشته برای مردم ایجاد شده بود.

ارتباط اقتصادی با کشورهای همسایه به مختصاتی که در دولت رئیس‌وزیر وجود دارد به چه میزان می‌تواند به اقتصاد ایران کمک کند؟

واقعیت این است که این موضوع بیشتر شعاری است. برخی در دولت گمان می‌کنند با ارتباط با کشورهای همسایه کشف جدیدی کرده‌اند. این در حالی است که در واقع چنین نیست و از ابتدای انقلاب تاکنون قرار بود ما با کشورهای همسایه ارتباط اقتصادی داشته باشیم و به اقتصاد اول منطقه تبدیل شویم. منطق اقتصادی می‌گوید اگر ما بتوانیم با کشورهای همسایه ارتباط داشته باشیم به سود ماست. با این وجود دولت تنها با کشورهای همسایه قرارداد بسته است. این در حالی است که تا زمانی که تحریم‌ها برداشته نشود و ایران در تحریم قرار داشته باشد این قراردادها جنبه عملیاتی نخواهد داشت. کشورهای طرف قرارداد ایران برای اینکه هزینه‌های سنگین شکستن تحریم‌ها را برداخت نکنند تلاش می‌کنند تا آنجا که امکان دارد زیر بار قرارداد‌هایی که با ایران بسته شده نروند. تنها در شرایطی این اتفاق رخ می‌دهد که تحریم‌های ایران برداشته شود. قرارداد بستن به تنهایی کافی نیست و اتفاق مهمی به شمار نمی‌رود. مهم این است که آثار آن مشخص شود. تنها می‌توان با دور زدن تحریم‌ها بخش‌هایی از این قراردادها را عملی کرد که این کار نیز با هزینه‌های زیادی همراه است و مقرون به صرفه نیست. مشکل ما در تجارت خارجی تنها این نیست که با کشورهایمانند آمریکا و کشورهای اروپایی ارتباط برقرار نمی‌کنیم و بلکه مشکل در ناکارآمدی‌های داخلی است. این ناکارآمدی‌های داخلی هم در تولید وجود دارد و هم در تجارت. زمانی که اتحاد جماهیر شوروی از هم فروپاشید ما انتظار داشتیم کشورهای کوچکی که در آسیای میانه شکل گرفته به بازار ایران تبدیل شود و ما بتوانیم از این طریق تحرک جدی در اقتصاد خود ایجاد کنیم. این وضعیت در فردای پس از صدام در عراق نیز وجود داشت و امیدوار بودیم بتوانیم در عراق سرمایه‌گذاری اقتصادی انجام بدهیم. این در حالی است که ناکارآمدی‌های داخلی و سوءمدیریت‌ها اجازه این کار را به ما نداده است. مدیرانی که چنین حرف‌هایی می‌زنند بیشتر افراد کم‌تجربه‌ای هستند که فکر می‌کنند آنچه روی کاغذ نوشته‌اند را می‌توانند به راحتی عملیاتی کنند. دولت باید این نکته را در نظر داشته باشد که اگر در کوتاه‌مدت نتواند تحریم‌ها را لغو کند و زمینه مرادوات بین‌المللی را برای اقتصاد کشور ایجاد کند در آینده قیمت‌ها در بازار ایران روند افزایشی به خود خواهد گرفت و ادامه این وضعیت می‌تواند تبعات اجتماعی برای دولت داشته باشد. در چنین شرایطی فقر مردم بیشتر می‌شود.